**امام هادی علیه السلام در برابر دو انحراف**

1. **مسأله خلق قرآن**

از مهمترین بحثهایی که در آغاز قرن سوم دنیای تسنّن را به خود مشغول داشته جدال بر سر مسئله حدوث و قِدَم قرآن بود که خود موجب پیدایش فرق و گروههایی در میان آنها شد. اولین کسی که این مسئله را مطرح ساخت احمد بن ابی داود بود.(1) سپس مأمون و پس از وی معتصم آن را دنبال کرده و سخت می‌کوشیدند تا علما و محدثین را بر قبول آن ـ اعتقاد به حدوث قرآن ـ که در تاریخ به عنوان محنة القرآن از آن یاد شده وا دارند. احمد بن حنبل در رأس اهل حدیث اعتقاد به قدم قرآن داشته و در این باره تحت فشارها و اهانت های حکومت عباسی و حتی به دستور آنها زیر ضربه‌های شلاق نیز قرار گرفته است.

پس از معتصم جانشین او، متوکل جانب ابن حنبل را گرفته و به کمک هم، قضیه را به نفع مذهب وی ـ اعتقاد به قدم قرآن ـ خاتمه داده و علمای مخالف خود را از میدان به در برده و به سکوت وا داشتند. بعلاوه آنها مذهب اهل حدیث را با محدوده‌ای که ابن حنبل برایش درست کرده بود، رایج کرده، مذاهب دیگر را «بدعت» دانستند. متعاقب این جریان کلیه گروههای محدثین ـ به منظور دفاع از دیدگاههای خود ـ با هم درگیر شده و هر کدام نظر خاص خودشان را اظهار داشتند.

تا جائی که می دانیم در روایات اهل بیت و سخنان اصحاب ائمه هدی علیهم السلام بحثی در این زمینه به میان نیامده و شیعیان درباره آن سکوت اختیار کرده‌اند.دلیل آن نیز این بود که طرح اصل مسأله، امری نابخردانه و بی معنا بود. امروز نامه‌ای از امام هادی علیه السلام در دست است که طی آن به یکی از شیعیان خود دستور می‌دهد در این زمینه اظهار نظر نکرده و جانب هیچ کدام از حدوث قرآن و قدم آن را نگیرد. آن حضرت در نامه خود چنین نوشته‌اند:

«خدا ما و تو را از ابتلای در فتنه برحذر دارد، اگر خود را از آن دو نگهداری به صلاح است و گرنه به هلاکت می‌افتی.»

به عقیده ما جدال و گفتگو درباره قرآن بدعت است و در گناه و مسئولیت آثار زشت ناشی از آن، سؤال کننده و جواب دهنده هر دو شریکند ؛ زیرا سؤال کننده بی‌ جهت درباره آنچه که به عهده‌ اش نیست می‌پرسد و جواب دهنده را بدون هیچ دلیلی به خاطر آنچه از عهده وی خارج است زیر تکلیف می‌برد. آفریننده‌ای جز خدا وجود ندارد و غیر او، همه آفریدگان او هستند ؛ قرآن نیز کلام خدا است، از پیش خود اسمی بر آن نپذیرد که در این صورت از ستمگران به شمار خواهی رفت. خداوند ما و شما را از افرادی که ایمان به غیب آورده و از خدا و روز جزا می‌ترسند قرار بدهد.» (2(

این نامه‌ها و موضع گیریها، سبب شد تا شیعیان گرفتار این بحث بی‌حاصل نشوند.

1. **مسئله أصالت قرآن**

از انحرافاتی که غلات شیعه پدید آورده و باعث حمله دیگر فرق اسلامی به آنها شده، مشکل تحریف قرآن بود و مسئله ‌ای که اهل سنت نیز به علت اشتمال کتابهایشان به پاره‌ای از روایات نادرست حاوی تحریف گرفتار آن هستند. در عین حال اکثریت مسلمین اعم از اهل سنت و شیعه امامی بجز غلات بشدت با این اعتقاد نادرست، برخورد کرده‌اند. با این حال چنانکه از ایضاح ابن شاذان و انتصار خیاط معتزلی بر می‌آید. در قرن سوم هجری، اتّهام شیعه به تحریف قرآن بر سر زبانها افتاده بود.

در برابر این اتّهام ائمه شیعه همواره اصالت را به قرآن داده و هر روایت مخالف با آن را باطل اعلام داشته‌اند. در میان اهل سنّت نیز تعداد کسانی که به این اصل اعتقاد دارند کم نیست اما مهم آن است که این اصل، در عمل تا چه حد رعایت می‌شود.

امام هادی علیه السلام نیز ضمن رساله مفصلی که ابن شعبه حرّانی از آن حضرت نقل کرده بشدت بر اصالت قرآن تکیه فرموده و آن را در مقام سنجش روایات و تشخیص صحیح از ناصحیح به عنوان معیاری دقیق اعلام فرموده است. علاوه بر این رسماً قرآن را به عنوان تنها متنی که همه گروههای اسلامی بدان استناد می‌کنند، مطرح ساخته‌ اند.

امام هادی علیه السلام در مرحله اول اخبار را به دو دسته تقسیم می‌نماید:

نخست روایاتی که حق است و باید مبنای عمل قرار گیرد و دسته دوم اخباری که باطل است و باید از عمل بدان اجتناب شود. پس باید اجماع قاطبه امت بر حقانیت قرآن از نظر همه فرق اسلامی را ـ که تردیدی در آن وجود ندارد ـ مورد توجه قرار داد. آنگاه می‌فرماید در صورتی که قرآن بر صحّت روایتی صحّه گذاشت اما گروهی از امت آن را نپذیرفت، بایست بر صحّت آن اعتراف کنند ؛ زیرا که در اصل، بر حقانیت قرآن اتفاق نظر دارند.

سپس به عنوان نمونه، حدیث ثقلین را با توجه به آیه ولایت و براساس شأن نزولی که برای آیه در روایات اهل سنّت نقل شده ذکر می‌کند. پس از آن درباره توضیح حدیث:« لا جبرَ و لا تفویض بل امرٌ بین الأمرین » باز به سراغ قرآن می‌آید و با ارائه آیات متعدد، تأیید آن را از صحّت حدیث ابراز می‌دارد. البته امام در طول استدلال خود دهها آیه از قرآن که از جهتی بر جبر و از جهت دیگر به تفویض اشاره دارد ارائه می‌دهد و در پایان از سخنان محکم و متین امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره به عنوان شاهد استفاده می‌کند.(3)

همچنین در نشستی دیگر در مورد یک مسئله اختلافی، امام علیه السلام با استناد به قرآن، همه را ملزم به قبول نظر خود ساخت.(4(

پی نوشت:

1. الطبقات السنیة فى تراجم الحنفیة، ط ریاض، 1983م، ج1، ص 29.
2. التوحید، ص224؛ أمالی الصدوق، ص438، بحارالانوار، ج92، ص118؛ متشابه القرآن و مختلفه، ج1، ص 61؛ و در همین صفحه روایتى از امام سجاد علیه السلام نقل شده كه آن حضرت فرمود: قرآن نه خالق است ونه مخلوق بلكه كلام خداوند خالق است.
3. تحف العقول، صص 338 ـ 356؛ الاحتجاج، ج 2، ص 251 ؛ بحارالانوار، ج2، ص 225.
4. مناقب ابن شهر آشوب، ج2، ص 443؛ مسند الإِمام الهادى، ص 28ـ 29.

منبع: کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام»، رسول جعفریان، صص 516 و 528.